



Res. article

## **Anthropological Study of the Elements of Witchcraft in the novel of *From Drowning* by Moneer Ravanipoor**

**Zainab Rahmanian** <sup>\*1</sup>

Assistant Professor of Payame Noor University, Khoy Center

**Received:** 10/08/2018

**Accepted:** 07/27/2019

### **Abstract**

Anthropology is the knowledge of people, their culture and their life history, which have many subcategories. It is necessary to mention the religious anthropology that is one of them. The field of religious anthropology is the belief of different societies about supernatural and their emergence. Magic also forms an important part of the religious belief system. The novel of *From Drowning*, with its widespread fame, was written by Monir Ravanipoor who is one of the great Iranian writers in the folk tales of Iran that is rooted in the ancient beliefs and the beliefs of people. They are the stories of people who inevitably engage in magical behaviors in the face of an unknown metaphysical force. According to research conducted in ancient Iran and primitive religions, these behaviors were divided into two categories: black magic and white magic. The former was despicable and obscene, and the latter acceptable and approved. This article first deals with the definition and characteristics of magical tools consistent with religious anthropology, and then provide the textual evidence. The findings show that various tools such as "magic, spell, salt, spandex" have been used to counter the black magic of magical characters such as "Blue, Boosalame, Disengro, and Majesty" are of the magical tools such as Magic, Talisman, Salt and Sepand.

**Keywords:** Magic, Talismans, From Drowning, Magical Behaviors.



پژوهشنامه ادبیات داستانی، دانشگاه رازی  
دوره هشتم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۸، صص ۱۰۷-۸۷

## بررسی مردم‌شناسانه عناصر جادوگری در *رمان اهل غرق اثر منیرو روانی پور*

زینب رحمانیان<sup>۱\*</sup>

استادیار دانشگاه پیام نور، مرکز خوی

پذیرش: ۱۳۹۸/۵/۵

دریافت: ۱۳۹۷/۷/۱۶

### چکیده

مردم‌شناسی دانش شناخت مردم، فرهنگ و تاریخ زندگی آن‌هاست که دارای زیر شاخه‌های متعددی است. از جمله می‌توان به مردم‌شناسی دینی اشاره کرد. قلمرو مطالعات مردم‌شناسی دینی، اعتقادات جوامع مختلف دربارهٔ ماوراءالطبیعه و نحوهٔ پیدایش آن‌هاست. سحر و جادو نیز بخش مهمی از نظام عملکرد اعتقادی اقوام را می‌سازد. *رمان اهل غرق* که با شهرت گسترده خود، منیرو روانی پور را در زمرهٔ نویسندگان شهیر ایران قرار داد از قصه‌های عامیانهٔ ایرانی است که ریشه در عقاید و باورهای دیرین مردم خود دارد. قصهٔ مردمانی که در مقابل نیروی ناشناختهٔ ماوراءالطبیعه، ناگریز دست به دامان رفتارهای جادویی متقابل شدند. براساس پژوهش انجام یافته این رفتارها در ایران باستان و ادیان ابتدایی رواج داشته است طوری که جادو را به دو مقوله جادوی سیاه و جادوی سفید تقسیم‌بندی نمودند. اولی مطرود و ناپسند و دومی مقبول و مورد تأیید بود. در این جستار ابتدا به تعریف و ویژگی‌های ابزار جادویی منطبق با مردم‌شناسی دینی پرداخته شده و سپس شواهد متنی ارائه گردیده است. یافته‌ها نشان می‌دهند؛ برای مقابله با جادوی سیاه شخصیت‌های جادویی همچون «آبی‌ها، بوسلمه، دی‌زنگرو، والاحضرت» از ابزارهای مختلفی همچون: «جادو، طلسم، نمک، اسپند» استفاده شده است.

**کلیدواژه‌ها:** جادو، طلسم، پری، اهل غرق، رفتارهای جادویی.

## ۱. مقدمه

ادبیات و هنر، زیباترین و پایدارترین جلوه‌گاه باورهای انسان است. باورهای دیرین و عمیقی که با گذشت چندین قرن هنوز، در آثار نویسندگان و هنرمندان خودنمایی می‌کنند. آیین‌های مشترک زیادی بین اقوام مختلف وجود دارد که یکی از این آیین‌ها جادوگری و اعتقاد به وجود ماوراءالطبیعه در ابعاد گوناگون و کارکردهای مختلفی است که برای آن قائل شده‌اند. جادو و علوم مربوط به آن در طول حیات بشر همواره مورد توجه بوده است. در حقیقت یکی از فراگیرترین باورها در میان اقوام و ملل مختلف دنیا جادو است، چنان که بهار اذعان می‌کند: «در اساطیر و آیین همه اقوام هند و اروپایی جنبه‌هایی از اعتقاد به جادو وجود دارد» (بهار، ۱۳۸۷: ۲۷) و اقوام پیشین برای ادامه حیات خود بدان پایبند بودند. به تدریج و با گذر زمان، عشق‌ها و نفرت‌ها، نقص‌ها و ناتوانی‌ها، عدم شناخت و آگاهی از ماوراءالطبیعه، او را به سوی جادو و انواع آن کشانید.

در ایران باستان دو گونه از جادو یعنی؛ جادوی سیاه و جادوی سفید رواج داشته است. اولی مطرود و دومی بسیار ارزشمند محسوب می‌شد. به طوری که نمونه‌های بسیاری از هر دو گونه را می‌توان در متن‌های دینی، در قالب دستورات دینی مشاهده کرد.

در دیدگاه انسان ابتدایی، جهان پیرامونش جاندار و صاحب شعور و دارای شخصیت انسانی بوده است. طوری که «اقوام ابتدایی نخستین تظاهرات دینی در جهان را قائل شدن روح و شخصیت برای موجودات عالم دانسته‌اند که از آن به جاندارانگاری تعبیر کرده‌اند. عناصر طبیعت در دایره ذهن او، عامل آگاه همه حوادث و پدیده‌هایی بودند که زندگی و مرگ او را تحت تأثیر قرار داده، سرنوشتش را رقم می‌زدند» (نامور مطلق، ۱۳۸۷: ۸۷). اعتقاد به نیروهای نهفته و ناشناخته در لایه‌های عمیق زندگی و ابعاد مختلف آن زمینه پژوهش بسیاری از جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، مردم‌شناسان و منتقدان هنر و ادبیات بوده است. نویسندگان بزرگی نیز در ادبیات با پرداختن به باورهای دیرینه و آداب و سنن مردمان کهن، سعی در یادآوری، ترویج و گسترش این مقوله در قالب‌های مختلف ادبی همچون: شعر، رمان، نقاشی و... داشتند.

## ۲. پیشینه پژوهش

در زمینه بررسی داستان‌های منیرو روانی‌پور در دهه ۸۰ رساله‌های متعددی نوشته شده که بیشتر به ویژگی‌ها و داستان‌های وی پرداخته‌اند. برای نمونه می‌توان؛ به رساله مریم رامین‌نیا (۱۳۸۳) با عنوان «نقد و بررسی آثار منیرو روانی‌پور و بازتاب رئالیسم جادویی آن» که به تعریف و تبیین رئالیسم جادویی پرداخته و نمونه‌هایی از آن را در آثار روانی‌پور آورده است. رساله فاطمه قدیمی (۱۳۸۸) با عنوان «شخصیت پردازی در یک رمان و

دو مجموعه کوتاه منیرو روانی‌پور» به بررسی ساختار و شخصیت‌سازی در داستان‌های روانی‌پور پرداخته و رساله افروز نجابتاین (۱۳۸۷) با عنوان «جلوه‌ها و نقد زنان در آثار سیمین دانشور، منیرو روانی‌پور، غزاله علیزاده» زن را از دیدگاه این نویسندگان مورد بررسی قرار داده‌است.

علاوه بر این رساله‌ها، مقالاتی نیز منتشر شده‌اند که اغلب محتوی و عناصر داستانی آثار روانی‌پور را بررسی کرده‌اند. مقالاتی همچون؛ «بیش اساطیری در آثار منیرو روانی‌پور» از فرزانه مونسان و همکارانش که در زمستان (۱۳۹۳) در فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی چاپ شده و ابعاد اسطوره‌ای آثار روانی‌پور را مورد بحث قرار می‌دهد. در مقاله «بررسی رئالیسم جادویی و تحلیل رمان *اهل غرق*» از نیکوبخت و رامین نیا (۱۳۸۴) به تحلیل رمان *اهل غرق* و نوع ادبی رئالیسم جادویی پرداخته‌است.

آنچه در این مقاله بدان پرداخته خواهد شد و متمایز از بقیه پژوهش‌ها می‌باشد، بررسی جادو و رفتارهای جادویی شخصیت‌ها در رمان *اهل غرق* است که تا کنون بدان پرداخته نشده‌است.

### ۳. منیرو روانی‌پور و *اهل غرق*

منیرو روانی‌پور (متولد ۱۳۳۳) بوشهر، نویسنده ایرانی و خالق آثاری چون؛ مجموعه کینزو (۱۳۶۷)، *اهل غرق* (۱۳۶۸)، *دل فولاد* (۱۳۶۹)، مجموعه *سنگ‌های شیطان* (۱۳۶۹) و *سیریا سیریا* (۱۳۷۲) است. بخش مهمی از این آثار را زنان و مصائب آنان، فقر، محرومیت، باورهای خرافی در برمی‌گیرد: «مشکلات زندگی مردم جنوب و یاد گذشته و دوران کودکی و زادگاهش، به همراه چشم‌زدهای سیاسی و اجتماعی از مشغله‌های قلم اوست.» (تسلیمی، ۱۳۸۸: ۲۴۴)

در آثار روانی‌پور، اسطوره با واقعیت در آمیخته‌است. وی به شیوه سوررئالیست‌ها و رئالیست‌های جادویی، همه جا در زندگی روزمره و در هر جریان عادی، عامل خرق عادت را جست‌وجو می‌کند و امور غریب و مافوق طبیعی را آشنا و در دسترس بشر می‌داند. «روانی‌پور در *اهل غرق* که شناخته‌شده‌ترین و مهم‌ترین اثر داستانی اوست، پای جفره، دهکده‌ای پرت و دورافتاده در ساحل خلیج فارس و گویش محلی آن را به فضای ادبی ایران بازمی‌کند و در ادامه سنت دریایی‌نویسی جنوبی، زیبایی‌های جادویی و کهن جنوب را همه آن چه را که بیشتر نویسندگان سوسیال-رئالیست نادیده گرفته‌اند، به نمایش می‌گذارد.» (یاوری، ۱۳۸۸: ۱۲۵)

در *اهل غرق* جفهرای‌ها با زبان ناآرام دریا آشنا هستند و صدای دایره زنگی پری‌های دریایی را می‌شنوند که با زبانی که واژه‌ها در آن نقش زیادی ندارند، با *اهل غرق* یا ماهیگیران جوانی که زیر آب‌های سنگین سیاه و خاکستری در کنار ساکنان آب‌ها زندگی می‌کنند، حرف می‌زنند و از حال و روز گارشان

باخبرند و می‌دانند که همه آن‌ها شب و روز کار می‌کنند تا قایق‌هایشان را دوباره به راه بیندازند و به زمین برگردند. مردان آبادی برای یافتن بزرگترین مروارید راهی دریای متلاطم می‌شوند تا شاید بتوانند رزق خود را جهت تأمین مایحتاج زندگی به دست آورند. آنان با ابزارهای متفاوتی به مبارزه با قهر و خشم طبیعت می‌روند و تاوان زیادی می‌پردازند و در نهایت با ورود مردان غریبه و دنیای مدرن تمام هستی خود را از دست می‌دهند.

#### ۴. مردم‌شناسی دینی و جادو

مردم‌شناسی که به مطالعه و شناخت آداب و فرهنگ جوامع مختلف می‌پردازد به شاخه‌های مختلفی تقسیم می‌گردد؛ یکی از آنها مردم‌شناسی دینی است که به بررسی اعتقادات دینی جوامع مختلف می‌پردازد. جادو و جادوگری یکی از شاخص‌های اعتقادات دینی انسان‌ها از گذشته‌های دور بوده‌است که جامعه امروزی با وجود قرن‌ها تغییر و تبدل هنوز بخشی از آن را میراث‌دار گشته و در آثار بزرگان و نویسندگان ما نمود پیدا کرده‌است. منیرو روانی‌پور در *اهل غرق* با به تصویر کشیدن باورهای جامعه روستایی و پیوند دادن این باورها به دنیای مدرن امروزی در پی این واقعیت است که باور درونی یعنی مجموعه‌ای از دین و ایدئولوژی انسان در عصر معاصر نیز ریشه‌دوانیده و گسترش یافته‌است.

در گوشه‌ای از جنوب ایران، مردمانی زندگی می‌کنند که با مردان غرق‌شده و پری‌های به تاریخ پیوسته، ارتباطی تنگاتنگ دارند با زبان ناآشنای امروزی و با ابزارآلات ابتدایی به مقابله با رنج‌ها و بلاهایی می‌روند که در باور سطحی آن‌ها از سوی جادوگران دریایی و ساکنان آن نشأت می‌گیرد. *اهل غرق* زندگی مردمانی را به تصویر می‌کشد که رزق روزانه‌شان را دریا و ساکنان آن، تحت سیطره خود قرار می‌دهد، آنان نیز دست به دامان رفتاری متقابل می‌شوند. اعتقادی که در خون و پوست آن‌ها رسوخ کرده و نهادینه شده‌است. با دقت و نکته‌سنجی در لایه‌های عمیق این رمان، می‌توان به باورهای بنیادین مردمانی پی‌برد که در دوردست‌ها به دور از هیاهوی جنجال برانگیز زندگی، صادقانه و ساده‌لوحانه، آیین‌ها و مناسک‌های خود را با تفکرات و باورهای کهن برپاساخته و دنیایی از سادگی و اعتقاد قلبی را به جامعه خود ارزانی داشتند. از جمله باور به جادو و جادوگری است که به نمونه‌های منطبق از این شاخص در *اهل غرق* دست می‌یابیم.

#### ۴-۱. جادو

لغت فارسی جادو در اصل به معنی میانجی و واسطه است و «در اوستا به صورت «یاتو» و در پهلوی به شکل «یاتوک» و در معنای سحر و ساحری نیز آمده‌است. جادو و شعبده را در بیشتر زبان‌های اروپایی «مجیک»

می‌نامند که از واژه یونانی "Mageia" مشتق شده است» (سلیمیان، ۱۳۸۷: ۱۸).

از دیدگاه مردم‌شناسی دینی نیز «جادو، عبارت از ایجاد رابطه با خدایان یا ضدخدایان و به دست آوردن لطف آن‌ها برای خود و قهر برای شخص متخاصم است» (بهار، ۱۳۸۶: ۵۷۷) که افراد خاصی همچون جادوگران آن را انجام می‌دهند «جادوگر کسی است که می‌خواهد به نهان و نهاد چیزها راه جوید و نیروهای نهفته در آن‌ها را به سود خویش آزاد گرداند و کارا سازد» (کزازی، ۱۳۸۵: ۴۹). لانتیه نیز بر تأثیر روانی جادوگری چنین تأکید می‌کند: «هدف از تمام جادوگریهای قبایل اولیه احساس قدرت فردی شخص در اجتماع است که در نتیجه به او آرامش می‌بخشد» (لانتیه، ۱۳۸۸: ۲۶۳). با تحقیق در سحر و جادو در نزد انسان‌های اولیه، دانشمندان به دو کارکرد نیک و بد جادو پی بردند که اولی به جادوی سفید و دومی به جادوی سیاه معروف است. انسان‌شناسان نیز جادو را بر مبنای کارکردی آن به دو شاخه‌ی اصلی سفید و سیاه تقسیم می‌کنند.

#### ۴-۱-۱. جادوی سفید

جادویی است که از نظر افراد جامعه خوب و پذیرفته شده است و هدف آن دور کردن ارواح خبیثه یا شفای بیماران و اشخاصی است که قربانی سحر شده‌اند. این جادو عملی ضداجتماعی نیست و عکس جادوی سیاه عمل می‌کند. در رأس افرادی که این گونه جادو را انجام می‌دهند؛ جادو پزشکان قرار دارند. جادوی سفید به کمک نیروهای برتر مینوی و آسمانی بر هستی جاری می‌شود و در قالب انواع دعاها، آتش‌ها، حیوانات، گیاهان و طلسم‌های گوناگون که خاصیت دیوزدایی و دور کردن جادوگران را داشتند، نمود پیدامی‌کند. اعمال کنندگان جادوی سفید بیشتر موبدان و روحانیون دینی بودند و گاه افراد عادی نیز با پیروی از راهنمایی‌های آن‌ها در این کار سهیم شده و خود نیز بدان می‌پرداختند.

#### ۴-۱-۲. جادوی سیاه

از دیگر تقسیم‌های جادو در ادیان ابتدایی جادوی سیاه است که «عکس جادوی سفید بوده و معمولاً فردی منفور آن را انجام می‌دهد و هدف او شکست و نابودی افراد است. پس عملش عملی ضد اجتماعی محسوب می‌شود» (سلیمیان، ۱۳۸۷: ۴۶). همان گونه که بیان شد، انسان‌های اولیه در مواجهه با مشکلاتی که علتی برای آن نمی‌یافتند، سعی در یافتن عللی ماوراءالطبیعی برای آن بودند. دیوها، شیاطین، جادوگران و انواع طلسم‌ها از عللی شمرده می‌شدند که می‌توانستند، حوادث غیرمترقبه‌ای را بیافریند که قابل جبران نبود. برای همین ناچار با اجرای مراسم خاص و تهیه انواع باطل‌السحرها و نیرنگ‌ها دست به دامان موبدان و روحانیون دین می‌شدند تا اثر این جادوی سیاه را از بین ببرند. به عنوان مثال: «آراییان عموماً علل بیماری را

از خشم خدایان دانسته و برای رفع قهر خدایان به قربانی در برابر آنان می‌پرداختند» (نجم‌آبادی، ۱۳۷۱: ۱۱۴).

در اهل غرق نیز درگیری مردم با رازهای طبیعت به یاری تلفیق موزون واقعیت با تخیل در بافت داستان نمایان می‌شود. نیروهای مهاجم مرموزی در دریا وجود دارند که بر آن‌ها تسلط داشته و آرزوهای آنان را بر باد می‌دهند. سرنوشت انسان‌ها را دریا و ساکنان آن تعیین می‌کنند. پدیده‌های طبیعی، طوفان، بالا آمدن سطح آب، زلزله، گرفتگی ماه، غرق شدن کشتی‌ها، همه و همه سبب استفاده از عناصر و ابزار جادویی مردمانی می‌شود که در باور و اعتقاد آنان تنها راه مقابله و ستیز با این ناملاطمتی‌هاست.

#### ۴-۱-۳. پری

در اوستا پاریکا<sup>۱</sup> به معنای پری است که در پهلوی پریک<sup>۲</sup> در فارسی میانه ترسانی پرینگ<sup>۳</sup> است. این واژه در گات‌ها همیشه در کنار واژه یاتو<sup>۴</sup> به کار رفته است. یاتوها یا همان جادوگران، همیشه جفتی به نام پری‌ها را در کنار خود دارند. پری‌ها موجودات مؤنثی هستند که از طرف اهریمن برای آسیب رساندن به آفرینش نیک و یا منحرف کردن پیروان دین و کشانیدن آنها به سوی پلیدی‌ها فرستاده می‌شوند: «این پری‌ها در جنود اهریمن بر ضد زمین و گیاه و آب و ستوران و آتش در کارند. همین پری‌ها هستند که به شکل ستارگان دنباله دار با تشر، فرشته باران در سر ستیزند تا وی را از بارندگی باز داشته و زمین را از خشکی ویران سازند» (پورداوود، ۱۳۷۷: ۱۵)؛ اما در آیین زرتشتی پری از زیبایی و فریبنده‌گی خود برای دشمنی و آسیب رساندن به پهلوانان و پارسایان استفاده می‌کند و با تغییر چهره خود آن‌ها را فریفته و به آن‌ها و دیگر آفرینش‌های اورمزدی آسیب می‌رساند. پری‌ها سعی در همخوابگی با پهلوانان و ایزدان را داشتند که این یکی از جنبه‌های اساسی شخصیت آن‌ها به شمار می‌رفت. «گاه پریان، عاشق قهرمان داستان می‌شوند و اگر قهرمان به وصال با آنان تن در ندهد، پریان، آنان را می‌آزارند و یا گرفتار جادو می‌کنند... شاید این مورد بازتابی از اعتقادات ایرانیان باستان درباره پری به عنوان الهه عشق و زایش باشد» (افشاری، ۱۳۸۷: ۵۰).

در آیین مزدیسنا از پری‌ها در کنار جادوها و دیوان نامبرده شده است و اغلب از آن‌ها به زشتی یاد می‌شود. در میان مردم عامی نیز چنین باوری وجود دارد که می‌گویند: «در کنار چشمه‌ها و چاهسارها و در زیر سایه درختان تنها نروید و نمائید و نخسید که پری زده می‌شوید زیرا که شاید این گونه اماکن فاضل یعنی منزل یا گذرگاه پریان و خوبان و از ما بهتران باشد» (مزدپور و دیگران، ۱۳۸۷: ۲۹۰). ارتباط پری با

1. pairika
2. parik
3. Parriig
4. yatu

آب دریا در کتاب گزیده‌های زاد اسپرم نیز آمده‌است. «در این کتاب‌ها پری‌ها از دریا می‌آیند و با آتش مقدس برزین مهر به جنگ می‌پردازند» (پورداوود، ۱۳۷۷: ذیل بند ۳) بنابراین می‌توان به این نتیجه رسید که مطابق «با اسطوره کهن تری اعتقاد عامیانه بر این بوده‌است که در دریاچه «کاسایا»<sup>۱</sup> پریان می‌زیند و به سان زن ایزدان باروری و زایش، رحم زنان و دخترانی را که در گاهنبار معینی در آن دریاچه آبتنی کنند، پالوده و زایا می‌کنند» (سرکاراتی، ۱۳۷۸: ۱۷).

با این حال آنچه در ادبیات فارسی در مورد پری بیان شده، اندکی متفاوت است. «از مجموعه اشاره‌های مربوط به پری در شاهنامه، کتاب‌های فارسی، افسانه‌ها و داستان‌های عامیانه چنین برمی‌آید که در ایران دوره اسلامی پری آن‌چنان که پیروان آیین زرتشتی و مزدیسنا باور داشتند، موجودی زشت و ناخجسته نیست بلکه به صورت نگار فریای بسیار زیبایی پنداشته شده که از نیکویی و خوب چهری و حتی فره برخوردار است و مثال و نمونه زیبارویی و با اندامی و فریبنده‌گی است و گاه به سبب بهی و زیبایی و سودرسانیش به مردمان در مقابل دیو و اهریمن قرار می‌گیرد» (سرکاراتی، ۱۳۷۸: ۱).

باورها و شیوه‌های دگرگون شده زندگی اجتماعی و مذهبی مردم در طول زمان، موقعیت پری را از یک الهه باشکوه و مقدس که در مرکز آیین‌های پرستش قرار داشته به آنچه امروز در آیین زرتشتی آمده، تنزل داده است. خصایصی که روزگاری در شمار ویژگی‌های پسندیده آنها شمرده می‌شد با تغییرات دینی و اجتماعی به ضد ارزش تبدیل شدند. «این مفهوم در دوره اسلامی با مفهوم «جن» انطباق یافته و هرچند در بسیاری از فرهنگ‌ها پری را در برابر واژه جن نهاده‌اند در کاربردها و مضامین شاعرانه و ادبیات عامیانه و گفتار عوام آمیختگی بار معنایی باستانی با بار معنایی جن و مشخصات و روایات مربوط به جن محسوس و مشهود است. به نظر می‌رسد این قرابت و همانندی بیشتر در ادبیات جلوه‌گر می‌باشد و در گفتار مردم در این موارد غالباً همان تعبیر جن به کار می‌رود» (معدن‌کن، ۱۳۷۵: ۲۷۹).

«زان چون پری گرفته نماید ز اهل عید کآب خرد برد پری‌وار آذرش»

(خاقانی، ۱۳۷۵: ۳۴۵).

در رمان *اهل غرق*، پریان ساکن دریا از شخصیت‌های جادویی داستان محسوب می‌شوند. موجودات خیالی، مرموز و عاشق قهرمان داستان هستند که شادی و غم، رزق و روزی، مرگ و زندگی ساکنان دهکده جفره به دست آنان رقم می‌خورد. مردمانی که نان روزانه‌شان تنها و تنها از دریا تأمین می‌شود، همواره در بیم و هراس نفس می‌کشند و آبی‌های دریا را مقدس می‌شمارند چرا که همواره دریا و ساکنان آبی آن، حوادث



تلخ برایشان به ارمغان آورده است. طوفان، خشکسالی، غرق شدن کشتی‌ها، مرگ فرزندان و... «بوبونی می‌ترسید ناخدا علی تو راسه مانده باشد و آبی‌ها او را بردارند و به ته دریا ببرند... بوبونی فکر کرد: یا امام غریب نکند می‌خواهند جفره را به زیر دریا ببرند» (روانی‌پور، ۱۳۶۹: ۱۰).

مه‌جمال قهرمان داستان یک انسان آبی-آدمی است. همراه با مردان ده برای یافتن مروارید پربها، برای گذران زندگی رهسپار دریا می‌شود. این انسان اسطوره‌ای در زیر دریا پدر خود را می‌شناسد که در روزگاران دور با آبی‌ها جفت شده است: «... وقتی زمینی‌ان به عمق آب‌های آبی می‌رسند، عشق دریایی آنان را در پناه خود می‌گیرد، صدای خلخال‌های دخترکان زمینی را فراموش می‌کنند. با آبی‌ها هم‌خوابه می‌شوند و پس از آن در حسرت گرمای از دست داده دل، آه می‌کشند و در آرزوی گریستن، در انتظار گریستن، در انتظار نی‌زنی به سطح دور آب خیره می‌شوند...» (همان: ۳۰).

بوسلمه ساکن زشت‌روی دریاها، یکی دیگر از شخصیت‌های جادویی داستان، جفره را تحت سیطره جادویی خود قرارداده است. او از زیباترین جوان جفره می‌خواهد برای عروسی‌اش با یکی از آبی‌ها به عنوان شادباش عروسی، هدیه بدهد و درشت‌ترین مروارید دنیا را که تا ابد مایحتاج زندگی ساکنان جفره را تأمین می‌کرد در دهان ماهی کوچکی گذاشت که زیباترین جوان جفره جزو هدایای پیشکشی آن‌ها باشد. مردان و زنان جفره برای مقابله با جادوی سیاه این موجودات و جهت دفع بلا و مصیبت‌های بی‌شمار، دست به دامان ابزارها و رفتارهای جادویی شدند که بدان پرداخته می‌شود.

#### ۴-۱-۴. سحر

یکی دیگر از ابزار مقابله با بلا یا سحر است. «سحر عبارت است از گفتار یا کردار یا نقشی در لوحی که فراتر از اسباب و علل طبیعی و متعارف در عالم طبیعت اثر می‌گذارد» (کلاتری، ۱۳۸۹: ۱۴۲). در فرهنگ‌نامه مزدیسنا: «سحر چیزی یا کاری است که در آن فریبندگی و گیرندگی باشد. کاری که آدمی به وسیله نفوذ و تکرار بعضی کلمات و با انجام اعمالی، قوای جهان را به نفع خود قبضه‌نماید، سحر را به معنی تغییر و گردانیدن ماهیت و صورت واقعی شیء به امری غیر حقیقی یا خیالی نیز پنداشته‌اند و گاه نشان دادن صوری برخلاف واقع، چنانکه گویی حقیقت شیء دگرگون شده است؛ مانند ریسمانی را به ماری مبدل کردن» (اوشیدری، ۱۳۷۱: ۳۲۲).

گرچه جادو به روش‌ها و دلایل متعدد برای افزایش احتمال موفقیت افراد یا کنترل عوامل ناشناخته حیات استفاده می‌شود، اما می‌توان از آن در جهت مقاصد ضد اجتماعی هم بهره‌جست. هرگاه جادو در جهت مقاصد ضد اجتماعی به کار رود؛ سحر نامیده می‌شود. پس: «سحر نوعی جادو است که برای مقاصد

شوم به کار می‌رود. به عنوان مثال جادوی مرگ بدون استثناء، سحر است. به سخن دیگر سحر به مثابه آزار رساندن به دیگران از طریق یک عمل روحی - روانی است و از افسون که افسونگر با استفاده از عناصر مادی انجام می‌دهد، قابل تفکیک است» (سلیمان، ۱۳۸۷: ۳۵).

در پژوهشی در سحر و جادوگری می‌خوانیم: «سحر کلامی است که ساحر به آن تکلم می‌کند، یعنی اوراد یا اذکاری را می‌گوید یا می‌نویسد یا به وسیلهٔ افلاک آسمانی، متوسل به ستاره‌ای می‌شود و در مقابل آن خیلی خضوع و خشوع می‌کند... الفاظ مترادف با کلمهٔ سحر فراوان است. از جمله: کهنات، عوارق، تصویر، سرعت، افسون، هیپنوتیزم، جادو، تنجیم، فالگویی، طالع‌بینی، طلسمات، عزایم، تسخیر جن و ملایک و...» (سالاری، ۱۳۸۰: ۱۴-۱۵). در *اهل غرق* نیز سحر مترادف با جادو آورده شده‌است و هر جا که جادویی به کار رفته، همان سحر است.

## ۵. ابزارهای جادوگری

عبارت از ابزارهایی که جهت مقابله با آثار شوم جادوی سیاه در رمان *اهل غرق* استفاده شده است.

### ۵-۱. طلسم

در فرهنگ اساطیر می‌خوانیم: «طلسم از *تلسما*<sup>۱</sup> یونانی است. عملی بیرون از عادت که مبدأ آن را قوای فعالهٔ آسمانی و قوای منفعلهٔ زمینی دانند و بدان، امور عجیب و غریب پدید آید. طلسم می‌تواند عمل فوق عادت باشد یا نوشته‌ای شامل اشکال و ادعیه‌ای که عملی خارق عادت انجام دهند یا شکل و صورتی که بر سر خزاین و دفاین تعبیه کنند» (ن.ک: یا حقی، ۱۳۹۱: ۵۵۸-۵۶۰)؛ به عبارت دیگر، «طلسم عبارت از نوشته‌ای با علائم اخترشناسی یا دیگر علائم جادویی یا شیئی که چنان نوشته‌هایی بر آن باشد» (موسی پور، ۱۳۸۷: ۵۱). انسان‌ها در طول تاریخ همواره معتقد به جاندارانگاری<sup>۲</sup> و طلسم<sup>۳</sup> بوده‌اند. آنیمیزم یا جاندارانگاری «یعنی همه چیز را دارای حیات و حیات را در همه اجزای هستی، ساری و جاری می‌بینند» (دماوندی، ۱۳۸۴: ۵۶). به دلیل داشتن چنین خاصیتی است که بعضی از سنگ‌ها و مهره‌ها، ستاره‌ها و اجرام آسمانی در نزد انسان‌ها مؤثر در تقدیر و سرنوشت دانسته می‌شوند. استفاده از طلسم، امروزه در برخی از جوامع حتی جوامع متمدن هم دیده می‌شود. طلسم؛ «در جوامعی که مردم برخورد نزدیک با هم دارند و جایی که آنها می‌توانند احساس ترس، خشم و حسادت خود را نسبت به دیگران بروز دهند، رشد و نمو می‌کند» (خوارزمی و توگلی، ۱۳۹۶: ۱۴۳).

1. telesma  
2. animism  
3. fitish

در اهل غرق یکی از ابزارهای مقابله با شخصیت‌های جادویی طلسم است. طلسم‌هایی که به صورت ادعیه یا عروسک‌هایی است که به شکل حیوانات یا شاخ گوزن ساخته شده‌اند:

«... بوبونی طلسم‌هایش را در آورد و مثل همه زن‌های جفزه به پنجره آویزان کرد، مشت‌های اسپند روی آتش منقل ریخت و آبی‌ها غیب شدند. شب بر در کپرها و روی شاخ گوزن‌های آویزان بر در سراها، فانوس‌های کوچک و بزرگی روشن بود...» (روانی‌پور، ۱۳۶۹: ۱۰).

«... در آبادی، زایر گیج و گم به راسه چشم می‌دوخت. زن‌ها دوباره طلسم‌هایشان را در آوردند و رو به دریا، به پنجره‌ها آویزان کردند. با هم گپ نمی‌زدند. چیزی راه گلویشان را می‌بست. آهسته در آبادی راه می‌رفتند تا کسی صدای پایشان را نشنود» (همان: ۲۱۹).

تأثیر این باورها و اعتقادات، در مردان غربی که به عنوان مأمور وارد جفزه شده بودند، نیز دیده می‌شود؛ به طوری که حتی از طلسم‌ها در پاسگاه‌ها استفاده کرده و یکی از آن‌ها مدت‌ها منتظر یال جنی می‌ماند تا او را از پای در آورده و بکشد: «... سرگرد وقتی به اتاقک پاسگاه رسید، عقب نشست. از در و دیوار، طلسم‌های جورواجور آویزان بود و هیچ کدام از سربازان لنگوته بسته پاسگاه حاضر نمی‌شدند، طلسم‌ها را از دیوار بردارند...» (روانی‌پور، ۱۳۶۹: ۲۶۲).

## ۵-۲. فال و طالع بینی

آینده و حوادث نامعلوم آن، همیشه پر از رازهایی برای انسان بوده که رسیدن و دانستن آن در گرو داشتن مهارت و قدرت خاصی است. «از جهت مفهوم کلی؛ فال عبارت است از آن که سرنوشت انسان یا واقعه‌ای را که رویدانی است ز روی نشانه‌هایی که آن‌ها را امور غیبی می‌شمارند پیش‌بینی و پیشگویی کنند» (دماوندی، ۱۳۸۴: ۲۷۷). در میان ملت‌های مختلف باستانی، مانند مردمان بین‌النهرین، آگاهی یافتن از حوادث آینده، از طریق ستارگان و علم نجوم، حرکت مارها، انواع پدیده‌های جوی و حرکت حیوانات میسر می‌شد. آن‌ها اعتقاد داشتند که غیب‌گویی کاربرد منطقی و علمی باورهای ماوراءالطبیعه است. «در قرون وسطی نیز انواع پیشگویی، مانند پیشگویی به وسیله خال‌های بدن، پیشانی‌بینی، قیافه‌شناسی، کف‌بینی و فال ورق تاروت، در اروپا رواج پیدا کرد» (گلکسرخی، ۱۳۷۷: ۴۷) «در میان آثار زرتشتیان نیز متنی به نام فال‌نامه زرتشتی وجود دارد که در آن از سه نوع فال نام برده شده است» (باقری و وحشمتی، ۱۳۹۳: ۱۴).

آنچه مسلم است پیشگویی، با جادو ارتباطی تنگاتنگ دارد و مبنای برخی از علوم پیشگویی، جادوگری است. انواع فال‌ها، ستاره‌شماری‌ها، رویاها و تعبیر آن‌ها، احضار ارواح و بسیاری دیگر از فنون جادویی که خبر از طالع و سرنوشت انسان، جهان و آینده او می‌دهند، همگی نوعی پیشگویی به شمار می‌روند. در میان

ایرانیان نیز انواع گوناگون فال، مانند فال حافظ از دیرباز رایج بوده است. فالگیری با استفاده از حروف ابجد نیز در شعر شاعرانی همچون خاقانی بارها دیده شده است:

«قرعه‌انداز کز ابجد صفت فال بگفت شرح آن فال به آیات و سور، باز دهید»

(دیوان خاقانی، ۱۳۷۵: ۱۱۱).

در *اهل غرق* پیشگویی و فال‌بینی از عهده هر کسی بر نمی‌آید. مه‌جمال قهرمان قصه و پسر به دنیا نیامده‌اش، قدرت و مهارت پیشگویی را دارند.

«مه‌جمال پیش‌بینی باد و باران‌هایی که دریای جفره را به آشوب می‌کشید و یا فکر و خیال بچه‌هایی که او هنوز بدنی نیامده نامشان را می‌دانست» (ن.ک: روانی پور، ۱۳۶۹: ۱۸).

«نوه زایر، فرزند بدنی نیامده مه‌جمال، حوادث ناگوار و گم‌شدن کودکان ساکن جفره را در داخل شکم مادر هشدار می‌دهد و مردمان را از نزدیک شدن به افراد غریبه و دوستی با آنان بر حذر می‌کند؛ اما هیچ‌کس به حرف‌هایش گوش نمی‌دهد و در کمال ناباوری، ساکنان این سرزمین با ناملایمات و سختی‌های زیادی روبرو می‌شوند» (ن.ک: روانی پور، ۱۳۶۹: ۱۳۴-۱۴۲).

«خیجو شب هنگام، وقتی کنار زایر در اتاق پنج دری نشسته بود و مدینه غذا را ظرف می‌کرد، صدایی شنید؛ صدایی لرزان و کودکانه‌ای که فریاد می‌کشید: دزد، دزد...» (همان: ۱۲۹).

«زایر دوباره صدای نوه به دنیا نیامده‌اش را شنید و چون به اشاره هیچ‌کس دور خیجو جمع نشد، نوه زایر احمد با غریب‌ترین لهجه جهان حرف‌هایی زد و ناامید توی شکم خیجو ول خورد...» (همان: ۱۳۴).

در بجزوه داستان جایی که قرار است حوادث ناگواری رخ دهد و جادوی سیاه بر سرزمین و مردمان جفره سیطره افکند، پیشگویی قهرمانان داستان خودنمایی می‌کند که با بی‌توجهی مردم سرکوب شده و هیچ تأثیری نمی‌گذارد.

## ۶. رفتارهای جادویی

مردمان این سرزمین، در مقابله با شخصیت‌های جادویی، رفتارهایی متقابل بروزمی‌دهند.

### ۶-۱. چشم‌زخم

چشم‌زخم: «آزار و نقصانی است که به سبب دیدن بعضی از مردم و تعریف کردن ایشان کسی را و چیزی را به‌هم‌رسد. عرب «عین‌الامه» خوانند. چشم‌زخم، چش‌زخم، چشم‌شور، دیده‌شور و نظر‌شور، عبارت از آن است که شخصی چیز حسن و مرغوب را نگاه کند و به طریق حسد در وی نظر اندازد» (لغت‌نامه دهخدا، ذیل چشم‌زخم). هدایت می‌نویسد: «این باور در ایران باستان نیز وجود داشته است؛ همچنان که در اوستا، «اغشی»

نامی برای دیو چشم‌زخم است» (هدایت، ۱۳۵۶: ۱۳).

اعتقاد به چشم زخم یا شورچشمی در بین عامه، باعث اجتناب و نوعی ترس برای باورمندان به آن بوده است که در شعر و ادبیات نیز انعکاس یافته است. به عنوان مثال، خاقانی، مفارقت میان یاران، از دست دادن عزیزان و بسیاری از حوادث نامطلوب را ناشی از چشم بد دشمنان و حاسدان می‌داند و دعا برای دور ماندن از چشم زخم از مایه‌های رایج در اشعار اوست:

«مردم چشم مرا چشم بد مردم کشت  
پس به مردم به چه دل چشم دگر بار کنم؟»

(خاقانی، ۱۳۷۸: ۲۳۱)

درباره چشم زخم، گفته‌ها بسیار است. «زیرا هم مقوله چشم زخم مقوله روحی روانی و شگفت و به نوعی جادویی است هم برای در امان ماندن از آن، مردمان بسیار به افسون و نیرنگ و جادو و تعویذ و رقیه پناه می‌برند» (دماوندی، ۱۳۸۸: ۱۷۹). شمیسا نیز آورده است: «معمول بوده که برای دفع چشم زخم به رخسار کودکان خطی از نیل می‌کشیدند و نیز برای دفع چشم زخم اسفند می‌سوزاندند» (شمیسا، ۱۳۷۷: ۳۵۳). در اهل غرق مردمان برای مقابله با انواع بلاها و مصائب زندگی و چشم زخم‌هایی که از جادوگران به آنان می‌رسد، دست به دامان جادویی متقابل می‌زنند. برای دفع آزار و نقصانی که هر لحظه زندگی آنان را در خطر نابودی قرار می‌دهد، همچون مردان کهن به آیین‌ها و اعمالی دست می‌زنند.

## ۶-۲. دود کردن اسپند و استفاده از نمک و طلسم

دانه‌های اسپند همیشه برای ایرانیان، اعم از زرتشتی و غیر زرتشتی، نماد چشم‌زخم بوده است که «نتیجه عمل دیو آگاش، دیو شورچشمی است و باعث صدمه به انسان‌ها می‌شود» (پوردادوود، ۱۳۷۷، بند ۱۸۶). ایرانیان با سوزاندن اسپند که گاه همراه با خواندن ادعیه‌ای مخصوص است برای باطل کردن تأثیر شوم چشم‌زخم و دور کردن دیو آگاش و یا طلسمی که دیگران در حق انسان‌ها بسته‌اند، استفاده می‌کنند. در واقع هدف از سوزاندن اسپند، دور راندن شیاطینی است که بنابر باور زرتشتیان باعث انواع بیماری‌ها و بلاها هستند. «زرتشتیان اسپند یا سپندان<sup>۱</sup> یا سپندان را که از شش گاو نخستین روییده است، به همراه کندر، عود و صندل در آتش می‌سوزاند» (پوردادوود، ۱۳۷۷، بند ۹۳). مزدپور می‌نویسد: «اسپند را همراه کندر و چوب صندل و دیگر خوش‌بوها همواره در خانه بر آتش می‌نهند و تا روزی دو، سه بار این کار تکرار می‌شود. همچنین در مراسم سوگواری و شادی و نیز در زندگانی روزمره از آن استفاده می‌شود...» (مزدپور، ۱۳۸۱: ۱۰۱).

مردان سرزمین جفره نیز برای مقابله با حمله آبی‌های دریا و مقابله با چشم زخم‌هایی که از نیروهای ناشناخته صورت می‌گیرد به این آیین و رفتار عمل می‌کنند: «... بوبونی طلسم‌هایش را در آورد و مثل همه زن‌های جفره به پنجره آویزان کرد، مثنی اسپند روی آتش منقل ریخت و آبی‌ها غیب شدند. شب بر در کپرها و روی شاخ گوزن‌های آویزان بر در سراها، فانوس‌های کوچک و در بزرگی روشن بود...» (روانی پور، ۱۳۶۹: ۱۰).

مردمان ساده‌اندیش *اهل غرق* برای دفع شر ساکنان دریا، پریان دریایی و جادوی آن‌ها به سوزاندن نمک روی می‌آورند. با سوزاندن نمک در روی منقل، بدی و آسیب جادو نیز سوزانده می‌شود. «... بوبونی عادت داشت هر روز پسین، اطراف خانه‌اش را جارو کند و نمک پاشد تا آبی‌ها به خانه‌اش نزدیک نشوند و هوش و حواس ناخدا را ندرزند...» (همان: ۲۲).

«... بوبونی که فانوس به دست در اطاق چشم‌می‌دواند و دنبال قوطی نمک می‌گشت، گفت: یکی از آبی‌هاست، بفرس و خودش صلوات بلندی فرستاد. وقتی قوطی نمک را پیدا کرد، خاکستر منقل را پس زد و نمک‌ها را روی آتش ریخت، اما آبی غیب نشد...» (همان: ۷۳).

یکی از خطراتی که از نظر مردم، آبادی را تهدید می‌کند، چشم‌زخم است و از آن‌جایی که این اعتقاد از لحاظ دینی در قرآن نیز تأیید شده است: (قران کریم، سوره قلم: ۵۱)، جایگاهی بس مهم در میان مردم دارد. شخصیت‌های داستانی *اهل غرق* برای دفع چشم‌زخم از دود کردن اسپند، آویختن طلسم و دعا در مکان و یا لباس شخص مورد نظر استفاده می‌کنند و معتقدند که همراه با دود کردن اسپند و ترکیدن دانه‌های آن چشم حسودان و بدخواهان خواهد ترکید:

«... آبادی با یرت و شادمانی به مرد و کُپ گپی‌اش نگاه می‌کرد. بوبونی تا چشم‌زخمی به کپ کپی نرسد، یکی از طلسم‌هایش را در آورد و به شاخ کپ کپی آویزان کرد و دی منصور تفکه خود را به آن مالید...» (روانی پور، ۱۳۶۹: ۱۸۳).

«... در آبادی، زایر گیج و گم به راسه چشم می‌دوخت. زنها دوباره طلسم‌هایشان را در آوردند و رو به دریا، به پنجره‌ها آویزان کردند. با هم گپ نمی‌زدند. چیزی راه گلویشان را می‌بست. آهسته در آبادی راه می‌رفتند تا کسی صدای پایشان را نشنود تا هیچ کس نداند که زنده‌اند...» (همان: ۲۱۹).

### ۳-۶. نعل در آتش نهادن

«نعل در آتش نهادن» که در ادبیات فارسی کنایه از ایجاد بی‌قراری و اضطراب است، از اعمال جادوگران و ساحران بوده است؛ که در اشعار شاعران هم دیده می‌شود:

«نعل در آتش نهادندی مرا آن نهاد جادوان بدرود باد»

(خاقانی، ۱۳۷۵: ۲۷۴).

در رمان *اهل غرق بهادر*، فرزند مه جمال هر روز نقش مادر بزرگ دریایی خود را در دفتر به تصویر می کشد. مادر نگران او در باور اینکه پسرش دل در گرو دختر کی دارد که طلسمش کرده است، عروسکی آهنی همانند آن شکل را ساخته و در آتش می گیرد تا شاید با طلسم هایش ببقرارای فرزندش را تسکین دهد: «... چهل شبانه روز آدمک های آهنی را به هم بست و زیر آتش گذاشت تا زنی که روی کاغذ بود پاهایش را پیدا کند و به سراغ نوجوانش بیاید...» (روانی پور، ۱۳۶۹: ۳۹۴).

#### ۶-۴. بر طبل کوبیدن

جادوگری که در واقع نوعی واکنش ناشی از ناتوانی در برابر رخداد های غیر مترقبه و ترس از آن ها و حاصل نهایت تخیل بشر در این زمینه است، با باور های عامیانه مرتبط است. بطور مثال: در باور های عامیانه، پدیده خسوف (ماه گرفتگی) را ناشی از سیطره نیرو های شر بر ماه و تسخیر آن می دانند که باید با صدای طبل، کوبیدن بر اشیاء (کوبیدن بر طشت) یا شلیک گلوله، آن را رها کرد. چنین باور عامیانه ای منطبق با ماهیت اساطیر و نشانه ای از عدم آگاهی بشر از نظام علی- معلولی است که به پیروی از تخیل خود برای رخداد ها، علت می تراشد و به این ترتیب تخیل را با واقعیات پیوند می دهد. در اعتقادات عامیانه گرفتگی ماه یا خورشید؛ «نشانه این است که مردم مرتکب گناه شده اند، در نتیجه این گناهان، به صورت اژدهایی در آمده اند و می خواهند ماه یا خورشید را ببلعند. در این هنگام از ترس آن قدر تیراندازی می کنند و طاس و تشت مسی را با قاشق می کوبند و به صدا در می آورند تا به گوش اژدها برسد و از بلعیدن ماه و یا خورشید صرف نظر بکند» (دماوندی، ۱۳۸۴: ۱۸).

چگونگی مقابله مردم جفره با گرفتگی ماه و رفتارهایی که جهت رفع این واقعه بروز می دهند جای بسی تأمل است. می توان گفت که در این داستان به این اعتقاد درونی این گونه اشاره شده است؛ «مردم اهل جفره دستی را می بینند که گلوی ماه را گرفته و می فشارد. ماه تقلامی کند، دست و پامی زند. جهان تیره و تاری می گردد، ماه سرفه می کند، مردم جفره دستپاچه می شوند و در مقابل از ترفندی نو استفاده می کنند؛ «زنان آبادی بر گلوی خود چنگ می زدند، راه نفس هایشان بسته بود... مدینه طبل ها را بیرون می آورد: «دی زنگرو ماه ول اکو. ماه چهارده ول اکو. زن ها بر طبل ها می زدند، دی منصور و بوبونی دیگ های مسی را به کنار ساحل می آوردند و صدای خوشی از زبان مدینه می گفت که دی زنگرو باید ماه را رها کند...» (روانی پور، ۱۳۶۹: ۱۷۴).

دی زنگرو از شخصیت‌های دیگر جادویی این رمان است که همچون اژدها، ماه را بلعیده و تحت سیطره خود قرارداده‌است: «زن‌ها آنقدر به طبل‌های خود کوبیدند، رقصیدند و خواندند تا سرانجام آن دست سیاه و زشت، ماه را رها کرد» (همان: ۱۷۴) و در ادامه داستان نیز دلیل طبل کوبیدن و رقص و آوازخوانی را دفع شر و بلائی دی زنگرو بیان می‌دارد «... دی زنگرو مادر بوسلمه است و مثل همو زشت و بدکار. از صدای طبل بیزار است و با شنیدن آواز زنانی که روی زمین زندگی می‌کنند و تندرست و دلیر و زیبا هستند، سرگیجه می‌گیرد» (همان: ۱۷۵).

### ۵-۶. قربانی کردن

رسم قربانی از کهن‌ترین ازمئه تاریخ، در میان اقوام باستانی و تمدن‌های دیرینه همواره رواج داشته‌است. این سنت گاه به صورت اهدای قربانی‌های دسته‌جمعی حیوانی و زمانی به صورت اهدای هدایای نباتی و جمادی مرسوم بوده‌است. قدر مسلم آن که هرچه به عقب‌تر گام می‌نهیم و با اقوام ابتدایی آشنا می‌شویم، قربانی کردن انسانی را می‌بینیم که برای جلب رضایت خاطر و یا دفع آفات و بلاها بوده‌است. برخی قربانی کردن را به عنوان آیینی تعریف کرده‌اند که طی آن، چیزی به هدر رفته و یا به‌هلاکت می‌رسد و با این کار رابطه‌ای میان منشأ ماورای طبیعی یا انسان‌ها ایجاد می‌شود. حال این رابطه می‌تواند برای کسب قدرت معنوی و شرکت با الوهیت در یک وعده غذای مشترک میان خدایان و انسان‌ها باشد و یا در جهت رفع نقایص و ضعف‌های انسان‌ها. در صورت دوم قربانی پیشکش را نباید خورد. قربانی در اصطلاح علم ادیان «گرفتن زندگانی موجود زنده‌ای (اعم از انسان، حیوان یا نبات) از راه کشتن یا سوزاندن یا دفن کردن و یا خوردن به منظور تقرب به خدایان و جلب نظر آنان است» (مصاحب، ۱۳۵۲: ۵۶۹).

لفظ «قربان» در عربی، مأخوذ از قرب به معنای نزدیکی و در مفهوم عمل نزدیکی جستن به خدا یا خدایان یا قوای فوق طبیعی اطلاق می‌شود. (معجم الوسیط، ۲۰۰۴: ۷۲۳، ذیل واژه قرب). انسان‌های اولیه همواره در جستجوی یافتن راهی برای نجات از صدمات قدرت‌های فراطبیعی و یا دخل و تصرف در این قدرت‌ها به نفع خود بودند و گاه با احتیاط و تدابیر مناسب مثل باز دارنده‌ها و نذورات و قربانی‌های مناسب و به موقع سعی در رفع بلا و ایمن ماندن از خطر را داشتند.

### ۱-۵-۶. قربانی انسانی

از زمان‌های بسیار دور قربانی کردن وجود داشته‌است. در بین سامی‌های آسیای غربی، پادشاه در مواقعی که مملکت در معرض خطری بود، پسر خود را فدای قوم خویش می‌کرد. چنانچه در روایات سامی، وقتی؛ «پادشاه موآب مورد هجوم اسرائیلیان قرار گرفت، پسر ارشدش را که قرار بود جانشین وی شود، مأخوذ کرد



و دستور داد در قربانگاه شهر به عنوان فدیة‌ای به حضور خدایان بیکر او را بسوزانند» (رید، ۱۳۶۳: ۶۰۴). در *رمان اهل غرق*؛ جایی آمده که؛ «نه روز بود که دریا به خشم آمده بود، لب‌ها خشک و تاول زده بود. آب تمام شده بود. قایق‌ها رد همدیگر را گم کرده و هر کدام در گوشه‌ای با موجی دست به گریبان بودند. چاره‌ای می‌بایست اندیشیده شود. «علاجش خون بود خون...» (روانی‌پور، ۱۳۹۶: ۴۵-۴۶). فردی باید قربانی می‌شد از بهترین و زیباترین جوان دهکده و آن کسی نبود جز مه‌جمال. او نشانه شوربختی بود و خشم. باید از شرش خلاص می‌شدند. باید نرسیده به خشکی قربانی می‌شد. یک نفر فدای همه یا همه فدای یک نفر: «زایر احمد کاردی را که مخصوص بریدن دم لقمه بود، به زحمت از زیر خن بیرون کشید... مه‌جمال جلو آمد و گردنش را پایین گرفت روی لبه قایق تا زایر سر از تنش جدا کند و با ریختن خون او به دریا طوفان آرام گیرد...» (همان: ۴۷).

در گوشه‌ای از *رمان* به تأثیر طلسم به وسیله جن‌های دریایی اشاره می‌شود که جهت رفع این تأثیر قربانی گرفته می‌شود و این قربانی فردی از خانواده است: «زایر غلام پیش از آنکه به خور جَنی برود، مردی آرام و سربه‌زیر بود. مثل همه مردان آبادی به ماهگیری می‌رفت و با زن و تنها دخترش نباتی در کپری زندگی می‌کرد؛ اما وقتی یال، جن دریایی با صدای خود او را به خور جَنی کشید، راه و رسم دیگری گرفت. شروع به خواندن کرد. لباس‌هایش را از تن درآورد و لنگوته بست. به هوای آنکه یال را از خود راضی کند تا مدت‌ها به دریا نرفت. پیش زنان آبادی می‌ماند. همشینی با زنان او را بذله‌گو کرد و سرانجام یک سال بعد، وقتی زنش سر زارفت و زایر غلام یال را دید که شبانه جگر زنش را درآورده بود و در دریا می‌شست، نفسی به راحتی کشید. دیگر یال با او کاری نداشت» (روانی‌پور، ۱۳۶۹: ۱۴).

## ۶-۵-۲. قربانی غذا

چنانچه گفته شد مردان نخستین گاهی برای مقابله با جادو از نبات و جماد به عنوان هدیه استفاده می‌کردند. در این *رمان* نیز گاه مردان آبادی جهت دفع جادوی سیاه، نذورات خوراکی به عنوان پیشکش تقدیم می‌کنند: «زنان آبادی دیگ‌هایشان را بار گذاشتند برای ساکن‌های خوب دریا و *اهل غرق* مرغ‌هایشان را سربریدند و ظهر تا گردن توی آب دیگ‌هایشان را در خور خالی کردند» (روانی‌پور، ۱۳۶۹: ۲۲۱). از مردان آبادی که به دریا رفته بودند تا مروارید حیات خود را بیابند، خبری نبود. زنان دل‌تنگ و خسته شده بودند، اما برای آنان که خسته و تشنه رو به آبادی می‌دویدند (مردگان)، باید قوتی تهیه می‌شد. «ظهر کنار ساحل ظرف‌های غذا ردیف شده بود و *اهل غرق* خسته به آن‌ها نزدیک می‌شدند و با اشتیاق دست‌پخت آدمیزاده را می‌چشیدند» (روانی‌پور، ۱۳۶۹: ۶۳).

## ۷. آیین‌های طلب باران

ایرانیان باستان مانند بسیاری از تمدن‌های دیگر، وقوع پدیده‌های طبیعی را ناشی از اراده و یا خشم خدایان می‌دانستند. آنچه برای ایشان موجب زیان بود مانند طوفان، سیل، خشکسالی و دیگر بلاهای طبیعت از خشم خدایان و بارش برف و باران را تا حدی که باعث رونق و کشت و کار آنها می‌شد، ناشی از لطف خدا می‌پنداشتند. آیین‌ها و طلسم‌هایی که به نحوی با آب و باران مربوط می‌شود، تلاشی است برای تغییر اراده و یا خشم خدایان و دیوان. همانگونه که سرخپوستان زیونی: «در جنوب شرق آمریکا، ساعت‌ها در مراسم رقص باران که تلاشی است برای برآوردن باران شرکت می‌کنند. به نظر آنان اجرای مراسم آیین جادو، روشی است برای وادار ساختن طبیعت، برای اجرای دستورات انسان» (گریگور، ۱۳۶۱: ۱۳).

قدیمی‌ترین آیین باران در ایران مربوط به نبرد تیشتر و اپوش است که در آن نبرد دائمی بین تیشتر و اپوش و یاران آن‌ها در جریان است. اگر تیشتر پیروز شود باران به اندازه و اگر دیوان پیروز شوند باران سیل آسا خواهد بارید. (ن.ک: پورداوود، ۱۳۷۷: کرده ۶، بندهای ۳۴-۲۰). در ادبیات پهلوی «آذر به اتفاق اردیبهشت، دین و وای با آن گروه از دیوانی مبارزه می‌کند که فرو باریدن باران را به تأخیر می‌افکنند» (بهار، ۱۳۸۷: ۷۸).

بازمانده مراسم طلب باران تا به امروز در قالب آیین‌های نمایشی در گوشه و کنار ایران باقی مانده است؛ مانند: «سوزاندن جمجمه خر در ایل قرائی کرمان و سوارشدن بر چوبی به عنوان اسب در لرستان، سوگ سیاوش، حاجی فیروز، عمو نوروز، ساختن عروسک‌های آدم‌ها با نام‌های بوکه بارانه و هوله بارانی در کردستان و...» (ن.ک: آقاعباسی، ۱۳۸۶: ۷-۱۳).

در واقع کاربردهای جادو، بسته به شرایط اقلیمی، محیطی و فردی تفاوت دارد. اصلی‌ترین نیاز مردمی که در سرزمینی خشک برای مدتی طولانی دچار بی‌بارانی بوده‌اند، باران است. در میان این سرزمین آنچه از جادوگری بیشتر دیده می‌شود؛ وجود انواع طلسم‌ها و آیین‌های طلب باران است. مردمانی که در جاهایی دوردست با آب و هوایی سرد و خشک دست و پنجه نرم می‌کنند، قطعاً برای رهایی از خشکسالی دست به دامن اعتقادات دیرین خود می‌شوند.

«اولین بار به فکر خیجوا افتاد، حالا که والا حضرت جوابشان را نداده، بهتر است دست به دامن گلی شوند. در یکی از شبهای سرد قحط‌سالی که سوز سرما بیدامی کرد و سنگ‌ها ترک‌برمی‌داشتند و آب دریا یخ‌زده بود، زنان آبادی کنار ساحل جمع شدند، دیگ‌های بزرگ را بار گذاشتند و شله گندمی ساختند. صبح کله سحر، خیجوا تمام مردم آبادی را واداشت تا هر کدام لقمه‌ای از شله گندمی بخورند تا آن کس که

مهره‌ای در گلویش گیرمی کند، گلی شود و سنگ آسیاب دی منصور را به دوش بگیرد و خانه به خانه بگردد» (روانی پور، ۱۳۶۹: ۲۸۶).

پختن غذایی که ماده اصلی آن گندم است، به جادو شباهت دارد؛ چراکه گندم نشان سرسبزی است. با پختن و خورده شدن آن نوعی همسانی ایجاد شده و بار دیگر با بارش باران این گیاه رشد و پرورش یافته و مردم از قحطی و خشکسالی رهایی می‌یابند. بر دوش گرفتن سنگ آسیاب توسط فرد منتخب، بردن برکت به خانه تک‌تک خانواده‌ها است، چراکه سنگ آسیاب وسیله آسیاب کردن گندم است. گندمی که غذای مردمی گرسنه و محروم است.

### ۸. پیکرگردانی

پیکرگردانی به معنای تغییر شکل ظاهری یا اساس هستی شخص در نتیجه استفاده از نیروی جادویی و ماوراء الطبیعی است. "Metamorphoses" و "Transformation" در ادبیات غرب معادل واژه پیکرگردانی هستند. در این حالت، شخص یا چیزی که دچار تغییر در هستی و شکل ظاهری خود شده است، قدرت‌های تازه‌ای به دست می‌آورد و رفتارهای متفاوتی بروز می‌دهد که با صورت و هستی قبل از تغییر خود شباهتی ندارد» (رستگار فسایی، ۱۳۸۳: ۴۳). در داستان‌های عامیانه نیز برخی از شخصیت‌های انسانی یا حیوانی، قدرت جادویی پیکرگردانی دارند. به طور مثال ممکن است نیمی از پیکر آن‌ها انسان و نیمی دیگر حیوان باشد و یا گاه در قالب انسان و گاه در قالب حیوان ظاهر شوند و در روند پیشرفت قصه تغییر پیکر دهند. در *رمان اهل غرق* پیکرگردانی اغلب به صورت تغییر انسان خاکی به آبی دیده می‌شود که فقط تعداد محدودی از شخصیت‌ها می‌توانند به این تغییر دست یابند:

«بغض در گلوی مه جمال شکست. مرد دریایی می‌گریست... تقدیر او که آبی-آدم بود که مادری از اهل دریا داشت و پدری/اهل غرق، جور دیگری رقم خورده بود...» (روانی پور، ۱۳۶۹: ۱۰۴).

«مدینه برای فانوس و پریان دریایی شروه می‌خواند... مدینه دور از چشم همه به دریا رفت. در میان آب‌های آبی دریا نشست و با حیرت به پاهایش نگاه کرد که به نیمه ماهی وار آبی‌ها تبدیل می‌شد» (همان: ۱۰۹).

«زایر که از هلهله آبادی سرش گیج می‌رفت، مستأصل و در مانده تا لحظه‌ای ذهن و ضمیرش را جمع و جور کند از خانه بیرون آمد و کنار دریا رفت و آنجا مدینه را دید که مانند پریان دریایی در آب غوض می‌کرد و دست شنای کشید» (همان: ۱۱۰)

«زایر پا پیش گذاشت و مدینه با نیمه ماهی وارش هراسان گریخت. پسین تنگ بود که زایر مدینه را که نیمه ماهی وارش برق می‌زد از آب‌های آبی دریا گرفت و نفس‌زنان به کنار ساحل آورد. وقتی او را روی

ماسه‌های ساحلی می‌گذاشت با چشمان خودش دید که نیمه ماهی‌وارش غیب شد...» (همان: ۱۱۰). گاه این تغییر به شکل پیکرگردانی قالب‌های شخصیت‌های جادوگری از بوسلمه و دی‌زنگرو به والاحضرت و سربازان حکومتی بود: «نباتی دخت زایرغلام دلخوش بود. حتم داشت که مردان از جانب بوسلمه آمده‌اند. می‌دانست که آنان خود را به شکل و شمایل آدمیزادگان درآورده‌اند تا وجب به وجب خاک جفیره را بو بکشند» (همان: ۱۳۸).

## ۹. نتیجه‌گیری

*اهل غرق* از مجموعه داستان‌های بلند منیر و روانی پور و در شمار داستان‌های اجتماعی - سیاسی ادبیات معاصر است که تفکرات و باورهای درونی یک جامعه دورافتاده را به تصویر می‌کشد. شهرت این اثر در جامعه ادبی معاصر نشان از آن دارد که روانی پور به شیوه رئالیسم جادویی، مسایل اجتماعی و عقاید قومی را با ابزار و امکانات زبانی و ادبی خاص خود در دسترس عموم قرار می‌دهد و با بهره‌گیری از این باورها به شاخص مهم مردم‌شناسی دینی، یعنی جادو و جادوگری می‌پردازد. استفاده از جادو و شخصیت‌های جادویی از قدیم‌الایام در میان انسان‌های ابتدایی رواج داشته‌است. از روزگاران پیشین، آن زمانی که انسان برای مقابله با ناملایمات زندگی و برای بقا خود در تکاپو بود قدرت و تسلط نیروهای ماوراءالطبیعه در اعتقادات آنها رسوخ کرده‌بود که بعدها به صورت دانشی درآمد که فقط افراد خاصی بدان دسترسی داشتند. تأثیر این باور و اعتقاد درونی به حدی است که امروزه با گذشت چندین قرن هنوز رخنه در تار و پود فکری عوام دارد و فرهنگ عامه را می‌سازد. روانی پور در *اهل غرق* به زیبایی و مهارت این باور را به تصویر می‌کشد. *اهل غرق* داستان مردانی ابتدایی و ساده‌اندیش است که در منطقه دورافتاده بدور از هیاهوی زندگی، دچار مصائب و مشکلاتی می‌شوند که برای رهایی از آن دست به دامان ابزار و رفتارهای جادویی متقابل می‌شوند. با مطالعه دقیق در کتب قدیمی ایران باستان متوجه این امر خطیر می‌شویم که جادو، عناصر و عوامل آن از دیرباز وجود داشته و افکار و باورهای مردمان سرزمین‌مان از آن انباشته شده‌است. دستاوردهای این پژوهش به طور خلاصه چنین بیان می‌شود:

۱- ابزار و رفتارهای جادویی، ریشه در ادیان و افکار مردمان پیشین ما دارد و منطبق با کتب دینی و قدیمی است.

۲- در این رمان شخصیت‌های جادویی عبارتند از: آبی‌ها، بوسلمه، دی‌زنگرو، والاحضرت. ابزارهای محدود مقابله با جادوی سیاه که در دسترس مردم قرار دارد نیز عبارت است از: طلسم، اسپند، نمک.

۳- رفتارهای جادویی منطبق با مردم‌شناسی این رمان عبارتند از: در آتش نهادن نعل، برطبل کوبیدن،

قربانی کردن، طلب باران، پیکر گردانی.

شخصیت های جادویی	ابزار جادویی	رفتارهای جادویی
آبی ها، بوسلمه، دی زنگرو، والاحضرت	طلسم، اسپند، نمک	در آتش نهادن نعل، برطبل کوبیدن، قربانی، طلب باران، پیکر گردانی.

### کتابنامه

- آقاباسی، یدالله (۱۳۸۶)، «باران خواهی»، مجله مطالعات ایرانی، سال ششم، شماره ۱۲، صص ۷-۱۳.
- افشاری، مهران (۱۳۷۸)، تازه به تازه نویه نو، چاپ دوم، تهران: چشمه.
- اوشیدری، جهانگیر (۱۳۷۱)، دانشنامه مزدیسنا، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.
- باقری حسن کیاده، معصومه، حشمتی، مهناز (۱۳۹۳)، «پیشگویی و طالع بینی در متون ایرانی دوره میانه»، فصلنامه فرهنگ و ادبیات عامه، سال دوم، شماره ۳، صص ۱۴-۲۰.
- بهار، مهرداد (۱۳۸۶)، از اسطوره تا تاریخ، چاپ پنجم، تهران: چشمه.
- (۱۳۸۷)، پژوهشی نو در اساطیر ایران، چاپ هفتم، تهران: آگاه.
- پور داوود، ابراهیم (۱۳۷۷)، یشتها، چاپ اول، تهران: اساطیر.
- تسلیمی، علی (۱۳۸۸)، گزاره های در ادبیات معاصر ایران، چاپ دوم، تهران: کتاب آمه.
- خاقانی شروانی، بدیع الزمان (۱۳۷۵)، دیوان خاقانی، مصحح جهانگیر منصور، تهران: نگاه.
- خوارزمی، حمیدرضا و حسین الله توکلی (۱۳۹۶)، «طلسم و طلسم شکنی در فرهنگ عامه جبال بارز جیرفت»، دو ماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه، سال ۵، شماره ۱۶، صص ۱۳۷-۱۶۰.
- دماوندی، مجتبی (۱۳۸۴)، جادو در اقوان ادیان و بازتاب آن در ادب فارسی، چاپ اول، سمنان: دانشگاه سمنان.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه، دانشگاه تهران، مؤسسه دهخدا.
- رستگارفسای، منصور (۱۳۸۳)، پیکر گردانی در اساطیر، چاپ اول، تهران: ناشر پژوهشگاه علوم انسانی.
- روانی پور، منیر و (۱۳۶۹)، اهل غرق، چاپ دوم، تهران: خانه آفتاب.
- رید، نولین (۱۳۶۳)، در توحش انسان عصر، ترجمه محمود عنایت، هاشمی، چاپ سوم، تهران: چشمه.
- سالاری، محمد (۱۳۸۰)، پژوهشی در سحر و جادوگری، چاپ اول، قم: مشهور.
- سرکاراتی، بهمن (۱۳۷۸)، «پری، سایه های شکار شده»، گزیده مقالات فارسی، چاپ اول، تهران: قطره.
- سلیمیان، سهیل (۱۳۸۷)، چیستی جادو، چاپ اول، تهران، آموزش و سنجش.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۷)، فرهنگ اشارات ادبیات فارسی، چاپ اول، تهران: فردوسی.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۵)، «پاره های انسان شناسی»، مجموعه مقاله های کوتاه، نقدها و گفت و گوهای انسان شناسی، تهران: نشر نی.

- کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۸۵)، *رؤیا، حماسه و اسطوره*، چاپ پنجم، تهران: نشر مرکز.
- کلانتری، ابراهیم (۱۳۸۹)، *فوق طبیعت از دیدگاه علم و قران*، چاپ دوم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- گریگور، آرتور، اس (۱۳۶۱)، *اسرار طلسم و جادو: دنیای ماوراء الطبیعه انسان اولیه*، ترجمه پرویز نجفیانی، چاپ اول، تهران: عطایی.
- گلسخی، ایرج (۱۳۷۷)، *تاریخ جادوگری*، چاپ اول، تهران: علم.
- لانیته، ژاک (۱۳۸۸)، *دهکده‌های جادو*، ترجمه مصطفی موسوی زنجانی، چاپ اول، تهران، جادوان خرد.
- مزدایور، کتایون و همکاران (۱۳۸۷)، *شناخت زن ایرانی در گستره پیش تاریخ و تاریخ*، چاپ دوم، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- مزدایور، کتایون، (۱۳۸۱)، «کاربرد آیینی چند گیاه در نزد زرتشتیان معاصر ایران»، *فصلنامه فرهنگ و مردم*، تهران، سال اول، شماره ۱، ۹۵-۱۰۶.
- مصاحب، غلامحسین (۱۳۵۲)، *دایرة المعارف مصاحب*، چاپ دوم، جلد سوم، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- معدن کن، معصومه (۱۳۷۵)، *نگاهی به دنیای خاقانی*، چاپ اول، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- موسی پور، ابراهیم (۱۳۸۷)، *دوازده + یک (سیزده پژوهش درباره طلسم، تعویذ و جادو)*، گردآوری و ترجمه ابراهیم موسی پور، چاپ اول، تهران: کتاب مرجع.
- نامور مطلق، بهمن (۱۳۸۷)، *اسطوره متن هویت‌ساز*، تهران: علمی و فرهنگی.
- نجم آبادی، محمود (۱۳۷۱)، *تاریخ طب در ایران قبل از اسلام*، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.
- هدایت، صادق (۱۳۵۶)، *نیرنگستان*، چاپ دوم، تهران: جاویدان.
- یاحقی، محمدجعفر (۱۳۹۱)، *فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی*، چاپ سوم، تهران: فرهنگ معاصر
- یاوری، حورا (۱۳۸۸)، *داستان فارسی و سرگذشت مدرنیته در ایران (گفتارهایی در نقد ادبی)*، چاپ اول، تهران: سخن.

